

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع)

شهربیانو دلبری^۱، زهرا زحمتکش^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱

پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۵

چکیده

سیره عملی هر یک از ائمه شیعه در جایگاه خود مملو از درس‌های پر بار است. در بررسی حوادث وقایع زندگی پر بار امام رضا(ع) نکات پندآموز بسیاری وجود دارد که می‌توان درس‌های فراوانی آموخت. یکی از اصول به کار رفته در سیره رضوی تسامح و تساهل است. امام رضا(ع) با گروه‌های فکری و اعتقادی بسیاری به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند و از راهکارهای بسیاری در این جلسات سود می‌جستند؛ یکی از این راهکارها استفاده از اصل تسامح و تساهل بود. این مقاله می‌کوشد به شیوه توصیفی تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که امام رضا(ع) در برخورد با پیروان ادیان مختلف از کدام شیوه‌های تسامح و تساهل بهره می‌بردند؟ التزام به اخلاق انسانی و احترام و مهرورزی نسبت به غیر مسلمانان، مخاطب-شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس ادیان، آزادی فکر و بیان و به رسمیت شناختن حق سؤال برای پیروان ادیان، مدارا و تسامح دینی و همزیستی مسالمت‌آمیز با آن‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های الگوی رفتاری امام رضا(ع) با پیروان دیگر ادیان بوده است.

کلیدواژه‌ها:

امام رضا(ع)، تساهل و تسامح، سیره رضوی، غیرمسلمانان، تعلیم و تربیت.

❖ ۱- مقدمه

یکی از اصول پایدار و اساسی در دین مبین اسلام، سهله و سمحه بودن است. رعایت این اصل سبب شد تا اسلام به حد اعلای خود گسترش یابد و معارف این دین الهی به گوش میلیون‌ها انسان آزادی خواه برسد. آنان که این ندای ارزشمند را نشنیدند یا شنیدند و رعایت نکردند در دوره‌های مختلف باعث آزارها و صدمات به اسلام شدند. با ذکر شواهد و اسناد و مدارک بسیاری می‌توان اثبات کرد، هر زمانی که این اصل رعایت شده، تمدن اسلامی به اوج و اعزاز دست یافته و هنگامی که به این اصل مهم و بشری اعتنایی نشده در عمل پیشرفتی در جذب غیرمسلمانان صورت نگرفته است.

تمدن بزرگ اسلامی که دستاورد سال‌ها زحمات مسلمانان بود دچار خدشه و آسیب می‌گشت. از این رو قرن‌های سوم و چهارم هجری را مستشرقان رنسانس اسلامی می‌نامند. در چنین زمانی بود که اصل تسامح رعایت می‌شد و جامعه اسلامی توانست در کشاکش قرون وسطای اروپا توانمندی‌های خود را به رخ بکشد. با کشف استعدادها و به دست آوردن افتخارات علمی مختلف در میان گروه‌ها و افراد جامعه اسلامی، به ظهور دوره‌ای انجامید که به اذعان و تأکید دانشمندان غربی بی‌نظیر است. در تمدن اسلامی این دوران هرگز تکرار نشده، با وجود این در زمان‌های مختلف هرگاه این اصل هرچند بسیار کم‌رنگ رعایت شده دستاوردهای فوق‌العاده‌ای داشته است.

امام رضا^(ع) نیز به تبع جلد بزرگوارش امام علی^(ع) با سعه صدر و بزرگ منشی توانستند قلوب بسیاری از انسان‌های آزاد را در هر لباس دینی و مذهبی به خود جذب کنند. ایشان در مواجهه با پیروان ادیان و فرق مختلف برخورد مسامحه‌آمیزی داشتند که الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیر مسلمانان به شمار می‌آید. سلوک آن حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی بود که برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی اعتراف می‌کردند و گاهی با امام به مباحثه می‌پرداختند

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع) ❖ ۲۳

و ایشان با تساهل و تسامح و به دور از هر خشونت و تعصبی بحث می‌کردند. برای درک این دوران بررسی تاریخی دقیق لازم است و پژوهش پیش‌رو تن‌ها به قسمتی از این مقطع تاریخی یعنی زمان حیات حضرت رضا(ع) در نیمه قرن دوم هجری قمری و اوایل قرن سوم هجری قمری می‌پردازد تا گوشه‌ای از این فعالیت‌ها آشکار شود چراکه سهم ائمه شیعه در تبیین این گونه جریان‌های تاریخی بسیار است که احتیاج به بررسی دارد.

۱- تسامح و تساهل در لغت

تسامح از ماده «سَمَحَ» به معنای بخشش و بزرگواری است؛ بنابراین، تسامح به معنای نوعی کنار آمدن همراه با جود و بزرگواری است. (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳: ۵۸۳؛ البستانی، بی‌تا: ۴۳۷) برخی به جای لفظ تسامح، لفظ تَسَمَّح و تَسَمَّح را که با واژه تسامح هم‌خانواده است، به کار برده‌اند. تَسَمَّح به معنای مسامحه و سهل‌کاری آمده و برای تَسَمَّح معانی نرم رفتن، آسان رفتن شتاب کردن، گریختن، آسان کردن و آسانی کردن باکسی ذکر شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۸۹۳)

تهانوی هندی می‌نویسد: «تسامح آن است که غرض از کلام گوینده روشن نباشد و برای فهم آن به تقدیر گرفتن لفظی دیگر نیازمند باشیم.» (تهانوی هندی، ۱۹۹۶، م، ج ۱: ۴۲۷).

معادل این کلمه در انگلیسی، کلمه «Tolerance» و فعل آن «Tolerate» است که در فرهنگ آکسفورد به معنای اجازه دادن به وقوع یا ادامه چیزی که شخص آن را نمی‌پسندد و با آن موافق نیست، ضبط شده است. (۱۹۹۸: ۱۲۵۸) از این‌رو برخی معتقدند نزدیک‌ترین معادل معنایی «Tolerance» حلم است؛ زیرا حلم یعنی تحمل امور ناگوار، در عین قدرت و قوت. (موریس‌کرنستن ۱۳۷۶: ۶۱).

در فقه تسامح در مستحبات و مکروهات امکان دارد ولی در باب واجبات و محرّمات روا نیست. در حقوق تسامح انعطاف و اغمازی است که به انحراف و

قانون شکنی نینجامد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۲۱۸). در علم سیاست و فلسفه تسامح چنین تعریف می شود: «خودداری از اعمال خصمانه بر ضد آنچه قبول نداریم یا نمی پسندیم یا از نظر سیاسی مخالف آن هستیم» (موحد، ۱۳۷۷: ۵۹). یعنی در تسامح همواره چیزی ناپسند و نامقبول وجود دارد که ما نمی پسندیم و نمی پذیریم.

مینوی تسامح را دارای جنبه جوانمردی می داند و می نویسد: «همه مردم نسبت به یکدیگر آسان بگیرند و جوانمردی داشته باشند و عقاید و اعمال همدیگر را در مواردی که با آزادی و زندگانی خودشان منافی نیست، در فشار حدود و قیود ناشی از تعصب نگذارند. تساهل هم لفظ خوبی است، ولی آن جنبه جوانمردی در آن مندرج نیست» (فاضل میبیدی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). واژه تساهل از ریشه سهل به معنای آسان گفتن، به نرمی رفتار کردن و سهل انگاری آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۰۷۸). همچنین تساهل که به معنای آسان گیری است، می تواند ناشی از چشم پوشی، اغماض و بزرگ منشی باشد (فیروزآبادی، بی تا، ج ۳: ۵۸۳؛ البستانی، بی تا: ۴۳۷). در اصطلاح، تساهل و تسامح به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی، به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد. معنای اصطلاحی این دو کلمه در علوم گوناگون یعنی در ادبیات، فقه، حقوق و فلسفه تعریف و معانی مستقلی دارد.

۲- تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن، سیره نبوی و ائمه اطهار (ع)

۲-۱- قرآن

اسلام تفکر هم زیستی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان الهی را به صورت اعلامیه جهانی مطرح ساخته است و با اعلام وجه مشترک داشتن اعتقاد به خدای یکتا و نفی ربوبیت غیر خدا همگان را به ائتلاف و اتحاد جهانی دعوت کرده است. پیامبر اکرم (ص) نیز به فرمان خدا به همه اهل کتاب اعلام کرده است با تکیه به این مشترکات به اتحاد و همگرایی بزرگ توحیدی تن دهند (آل عمران، ۶۴).

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع) ❖ ۳۵

❖ سال ۱۳۹۶
شماره ۲۰ زمستان

قرآن کریم درباره رمز موفقیت پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ از رحمت خدا بود که با مردم، نرم خوی بودی، اگر سنگدل و خشن و تندخو بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند. پس از خطاهای آنان درگذر و از خداوند برای آن‌ها طلب آمرزش کن و با آن‌ها در کارها مشورت نما» (آل عمران، ۱۵۹).

در این آیه علاوه بر این که خداوند به نرم‌خویی پیامبر اعظم(ص) در برابر مردم به عنوان رمز موفقیت او اشاره می‌کند، به پیامبر(ص) دستور می‌دهد از لغزش‌های مردم درگذرد، برای آن‌ها طلب آمرزش کند و در کارها با آن‌ها مشورت کند. همه این توصیه‌ها حکایت از لزوم تسامح و تساهل مثبت با مردم دارد. گاهی تسامح و تساهل درباره دعوت مردم به دین اسلام به کار رفته است: در آیات متعدد قرآن به کارگیری زور و اجبار در دیندار کردن مردم نفی شده است (البقره، ۲۵۶؛ الانعام، ۳۵؛ یونس، ۱۰۸؛ الشعراء، ۳). قرآن به مسلمانان سفارش می‌کند تا موقعی که دشمنان به پیمان ترک منخاصمه و عدم تعرض پای‌بندی نشان می‌دهند پیمان آن‌ها محترم است (التوبه، ۴).

۲-۲- سیره نبوی

بزرگ‌ترین نمونه عفو و گذشت پیامبر اکرم(ص) عفو عمومی مردم پس از فتح مکه است؛ مردمی که بدترین برخوردها، زشت‌ترین توهین‌ها و خشن‌ترین جنگ‌ها را بر پیامبر(ص) و یاران او روا داشتند، اما این‌ها موجب نشد که پیامبر اکرم(ص) پس از پیروزی، در برخورد با آن‌ها از مسیر رأفت اسلامی خارج شود.

در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «لم يرسلني الله تعالى بالرهابيه و لكن بعثني بالحنيفه السهله السمحه؛ خداوند متعال مرا به رهبانیت نفرستاد بلکه با شریعت ابراهیمی سهله و سمحه فرستاد» (کلینی، بی‌تا، ج ۵: ۴۹۳). در این روایت دو واژه سمحه و سهله که هم ریشه با تسامح و تساهل‌اند به کار رفته است. پیامبر اسلام(ص) و خلفای او در دعوت مردم به اسلام، هرگز از زور استفاده نکردند و در مناطقی که فتح می‌شد مردم را میان دو امر مخیر می‌ساختند

یا اسلام بیاورند یا در دین خود باقی بمانند و به مقررات دین خود عمل کنند اما از نظر سیاسی، حاکمیت اسلامی را بپذیرند.

سیره عملی پیامبر اسلام^(ص) در انعقاد پیمان‌های صلح و عدم تعرض، با گروه‌های مختلف اهل کتاب و حتی مشرکان حکایت از روحیه صلح‌طلبی اسلام و ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد. پیمان ترک مخاصمه ۱۰ ساله پیامبر^(ص) با مشرکان مکه (صلح حدیبیه) و سایر پیمان‌ها نشانه‌هایی از تلاش اسلام برای نفی خشونت میان انسان‌هاست. برخورد پیامبر اکرم^(ص) با مشرکان در فتح مکه و طرح شعار «الیوم یوم المرحمه، الیوم اعز الله قریشا» از روحیه مسالمت‌جویانه آن حضرت در برخورد با دشمنان و مخالفان حکایت دارد.

۲-۳- سیره ائمه اطهار^(ع)

گاه ائمه شیعه به خاطر حفظ وحدت و مصلحت امت اسلامی تساهل و تسامح را رعایت می‌کردند. علی^(ع) نیز در طول خلافت خویش همواره به حقوق سایر شهروندان غیر مسلمان (اهل ذمه) احترام می‌گذاشتند. جورج جرداق نویسنده مسیحی کتاب «امام علی^(ع)، صدای عدالت انسانی» به صراحت آن حضرت را اهل تساهل دانسته و در گفتاری با عنوان «نه تعصب و نه بی بندوباری» به توضیح این مطلب پرداخته است (جرداق، ۱۹۷۰م، ج ۱: ۲۰۵) همچنین از دوره ۳۰ سال امامت و خلافت حضرت علی^(ع) نمونه‌های فراوانی در کتاب‌های تاریخی و نهج‌البلاغه موجود است.

رساترین سخن در این باره، جملات امام علی^(ع)، برجسته‌ترین شاگرد و دست‌پرورده پیامبر اکرم^(ص) در نهج‌البلاغه است که فرمود: «هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد... اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید یا در پناه خود او را امان دادی به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانتدار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با همه اختلافاتی که دارند در آن اتفاق نظر دارند... پس هرگز پیمان‌شکن

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۳۷

مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده... پس از آن محکم کاری در قرارداد نامه دست از بهانه جویی بردار. مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده‌ات قرار گرفته و خدا آن را برگردنت نهاده تو را به پیمان شکنی وا دارد...» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

حضرت علی^(ع) در نهج البلاغه نامه ۵۱ بیش از هر چیز بر وفق و مدارا و محبت با مردم تأکید می‌کند: «قلب خود را در پوشش مهر و محبت به نیکی و لطف به مردم قرار ده، مبدا که با مردم چون درنده خون‌آشام باشی که خوردن آن‌ها را غنیمت شماری، زیرا آن‌ها یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش با تو همانند هستند. مردم از راه می‌لغزند و دچار آفت می‌شوند، خواسته یا ناخواسته به کارهایی دست می‌زنند، آنچنان که انتظار داری خداوند با تو با گذشت و چشم‌پوشی رفتار کند، با آن‌ها به گذشت و چشم‌پوشی رفتار کن.» (همان، نامه ۵۳)

در جایی دیگر به یکی از استانداران خود دستور می‌دهد: «از خداوند در انجام آنچه که در نظر داری یاری بخواه و سخت‌گیری را با آمیزه‌ای از نرمش توأم ساز. هر جا که مدارا و رفق مناسب‌تر است. مدارا پیشه ساز و زمانی به سخت‌گیری بپرداز که راهی جز آن نباشد. نسبت به مردم، بال‌های تواضع را فرود آور و فروتن باش و با مردم در توجه و نگاه و اشاره به تساوی رفتار کن.» (همان، نامه ۴۶). همچنین نمونه‌هایی را می‌توان در مناظرات امام صادق^(ع) با ابن ابی العوجا و ابن مقفع و دیصانی که سردهسته‌های الحاد و زندقه بوده‌اند مشاهده کرد (کلینی، بی‌تا، ج ۱: ۷۲).

۳- امکان تسامح و تساهل

شکی نیست که تساهل و تسامح محدود و مقید، امکان دارد. اما بحث در تساهل مطلق و بدون حد و مرز است که آیا چنین تساهلی اساساً امکان دارد و قابل اجرا هست یا نه؟ تساهل مطلق را می‌توان به تساهل مطلق سلبی و ایجابی تقسیم کرد (محمودی، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۹). تساهل مطلق سلبی، عبارت است از عدم مخالفت بی قید و شرط نسبت به هرگونه عقیده و رفتار و شیوه رفتاری که شامل عدم مخالفت با عقیده ضد تساهلی و رفتارها و شیوه‌های سخت‌گیرانه و غیر تساهلی نیز می‌شود. لازمه اعتقاد به تساهل مطلق سلبی این است که دست کم اندیشه‌ها و رفتارهای مخالف و از جمله

اندیشه و رفتارِ ضد تساهلی را مجاز بداند و آن را از رشد و گسترش باز ندارد. به این ترتیب، تساهل مطلق سلبی، در دامان خود، عدم تساهل را پرورش می‌دهد و این تناقض است. از این رو گفته‌اند که تساهل مطلق سلبی، حتی اگر به لحاظ نظری ممکن باشد، در عمل ممکن نیست (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۲۳).

تساهل مطلق ایجابی، وضعی ناگوارتر دارد؛ زیرا براساس آن، شخص نه تن‌ها در مقام عمل از عقاید و رفتار مخالف جلوگیری نمی‌کند، بلکه اساساً برای خود چنین حقی را قائل نیست و برعکس برای طرف مقابل این حق را قائل است که عقیده و رفتاری مخالف داشته باشد. اگر این اعتقاد را ریاکارانه ندانیم، بی‌گمان مستلزم رواج و گسترش عقاید و رفتارهای ضد تساهلی است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸۸-۸۹). برخی نیز بر ناممکن بودن تساهل مطلق چنین استدلال کرده‌اند که اگر بر ما لازم باشد که نسبت به همه چیز تساهل بورزیم، در این صورت باید هرگونه عقیده و رفتار ضد تساهلی را محدود کنیم و نسبت به آن تساهل نورزیم؛ در نتیجه تساهل، متوقف بر عدم تساهل می‌شود که این دور است. البته ناممکن بودن تساهل مطلق را می‌توان از طریق نقد مبانی آن، یعنی نسبت معرفت‌شناختی و اخلاقی قراردادگرایی و فرد‌گرایی، نیز ثابت کرد.

بنابراین تساهل و تسامح با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی آن مترادف با حلم و بردباری است که در فرهنگ اسلامی نیز به آن سفارش شده است اما تفاوت دیدگاه اسلام با دیدگاه غربیان دربارهٔ این آموزه آن است که اولاً تعیین شرایط و حدود تساهل از نظر اسلام به عهدهٔ خداوند متعال است و نه هیچ نیروی دیگری ثانیاً مبنای تساهل در اسلام حقانیت است نه ملاک‌های غربی از قبیل پلورالیسم و نسبت فرهنگی و اخلاقی. در بحث از امکان تساهل نیز نتیجه این است که تساهل محدود و دارای حد و مرز، بدون شک ممکن و قابل اجراست اما تساهل مطلق و بی حد و مرز امکان ندارد چون منجر به تناقض خواهد شد.

۴- تسامح در روزگار نو

تسامح و تساهل در غرب بستری دینی داشت و زائیده قرن ۱۶ میلادی در اروپاست. این مفهوم، اختلاف در زمینه‌هایی مانند عقیده و اندیشه را به رسمیت شناخت و به آزادی آن‌ها اعتراف کرد. با ورود اروپاییان به کشورهای اسلامی این مفهوم برای اهداف دیگری استفاده شد. چرا که در قرن ۱۹ میلادی قدرت‌های اروپایی کوشیدند تا با نام تسامح دولت عثمانی را تجزیه کنند و حاکمیت آن را از اقلیت‌های غیرمسلمان بزدایند (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۱۲).

خاستگاه و عملکرد تسامح اروپایی با تسامح اسلامی متفاوت است و از جهاتی مشترک هر دو به شکلی به مسئله اصلاح دینی (رفرم و جنبش سلفی) توجه دارند. در این مقایسه به همانندی دیگری میان رفرم و اصلاح‌گرایی اسلامی معاصر برمی‌خوریم که هر دو جریان با آن می‌ستیزند. خرافه تسامح در اصطلاح اسلامی به معنی پذیرش اختلاف در جامعه‌ای است که در معرض تهدید بیگانگان باشد. در چنین جامعه‌ای اولویت با عوامل وحدت بخش جامعه و ارزش‌های همبستگی افراد و گروه‌ها و طبقات است. این مفهوم در دوره شکل‌گیری امت واحده اسلامی نیز دیده شد. در تاریخ فرهنگی اسلامی رویداد مهمی یعنی توجه به دانش نوشتاری برای رویارو شدن با اختلاف اتفاق افتاد. خلفای عباسی دریافتند که برای رفع نقاط اختلاف توجه به نوشتار ضروری به نظر می‌رسد. مسلمانان زمانی که خود را میان دو امر ناخوشایند می‌یافتند سعی داشتند آن را که ضرر کمتری دارد برگزینند؛ یعنی اگر محلات نظامی از یک سو و دولت جور علیه غاصبان بیگانه و تهاجمات آن‌ها داشتند، تسامح در قالب‌ها و جریان‌ها و جریانات مختلف به شکل‌های گوناگون رخ می‌نمود. به بیان دیگر این اندیشه در راه اصلاح‌گرایی و در ارتباط با دین، اندیشه‌های لیبرالیستی را نیز می‌پذیرفت. در برخی از دوره‌های تاریخی اصلاح‌گرایان سنی مذهب جریان اندیشه تسامح را به پذیرش آزادی در اجتهاد

❖ دینی تأویل می‌کردند.

سال پنجم شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۲

آزادی به معنای تساهل، سنتی اساساً اروپایی است که آن هم در دوران رقابت شدید فرقه‌های مذهبی در قرن شانزدهم حاصل شد، در اروپا افرادی چون پوپر فیلسوف انگلیسی قرن بیستم در کتاب «جامعه باز و دشمنان آن» از تساهل سیاسی بر مبنای پلورالیسم دفاع می‌کند. پوپر اعتقاد داشت که همه فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی تا اندازه‌ای بر حق‌اند و هیچ گروهی به طور مطلق بر حق نیست که این دیدگاه به پلورالیسم دینی انجامید که مورد قبول پیشوایان دینی نیست (پوپر، ۱۹۶۵م: ۳۰۵). حسن رحیم‌پور ازغدی درباره ارتباط تساهل و لیبرالیسم و پلورالیسم بیان می‌کند: «مشرک اصالت تکثر و پلورالیسم که آن را جزو «حکمت تساهل» شمرده‌اند، به درستی قابل تفسیر نیست مگر پس از توجه به معرفت‌شناسی لیبرالی که اساساً برای معقولات کلی و مفاهیم فلسفی و غیرتجربی اعتباری قائل نیست و بر «وحدت حقیقت» و بر خود «حقیقت» چشم بسته است... تولرانس لیبرالی دو پیش فرض دارد: یکی این که هیچ عقیده‌ای بر دیگری رجحان عقلی و برهانی ندارد. مگر با سود تجربی... دوم این که باید اختلاف‌ها را مهار کرد تا جامعه مدنی، گرچه باطن جنگلی دارد، ظاهری آرام و به اصطلاح قانون‌مند و متساهل داشته باشد... در این رویکرد به عقیده، به مثابه نوعی غریزه، نگریسته می‌شود که به هر حال باید دفع و ارضا شود، ولی بهره‌ای از عقلانیت و حقیقت در آن نیست. حال آن که ما می‌گوییم یک عقیده، با معیار عقل و وحی، یا حق است یا باطل... البته رفق و مدارا، اساس رفتار تعلیمی و تربیتی انبیا و اولیا بوده که هرگز به معنی بی‌مقداری حق و ارزش‌ها یا به معنی غیرقابل شناخت بودن آن‌ها نیست، بلکه به معنی رعایت ظرفیت‌هاست» (محمودی، ۱۳۷۷: ۲۹۱)

۵- سابقه برپایی مناظرات در دستگاه خلفای مسلمان

پیش از دوران امام رضا^(ع) جلسات بحث و مناظرات در دستگاه خلفای عرب رایج

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۴۱

بوده است. در دوران بنی‌امیه چندان از جلسات مباحثات علمی خبری نیست زیرا آن‌ها خود نیز چندان علاقه و توجهی به این کار نداشتند اما با شروع خلافت عباسیان در سال ۱۳۲ هجری اوضاع به گونه‌ای دیگر عوض شد. خاندان‌های ایرانی از قدیم الایام علاقه فراوانی به برگزاری جلسات بحث و مناظره داشتند و قبل از اسلام هم ما این نکته را از دربار هخامنشیان تا ساسانیان بسیار می‌بینیم. باید توجه داشت بحث و مناظرات اعتقادی و کلامی و به طور کلی هرگونه مناظرات زمانی که در دربار و قصر امیر یا خلیفه‌ای برپا می‌شد از رسمیت بیشتری برخوردار بود؛ زیرا توجه و پشتیبانی یک رجل سیاسی از برپایی این گونه مجالس به غنا و استحکام و پایداری و نتیجه‌مندی آن بیشتر می‌افزود. گاه از میان همین مجالس چه دروغ‌ها و تهمت‌ها یا بر عکس حقایقی آشکار یا منجر به تألیف کتاب‌های علمی ارزشمندی می‌شد.

خاندان‌های ایرانی چون برامکه، خاندان نوبخت یا سرخسی از جمله گروه‌هایی بودند که در برپایی چنین مجالسی مؤثر و سهم به‌سزایی داشتند. جالب توجه آن بود که این خاندان‌ها تن‌ها علاقه‌مند به برپایی این جلسات نبودند بلکه خود افرادی دانشمند و صاحب نظر به شمار می‌آمدند که توانسته بودند از طریق رسوخ و نفوذ در دربارهای قدرتمند به هدف خود بیشتر برسند هدفی که به اعتلای علم و اندیشه کمک می‌کرد. از مباحثی که بیشتر مورد اعتنا بود بحث درباره دلایل امامت شیعه بود. برای گروه‌های مختلف فکری چگونگی انتخاب امام شیعه و پیروی و حرف شنوی از او جای سؤال بسیار داشت.

۶- علم و دانش در عصر امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) نواده امامی است که بنیان‌گذار دانشگاه بزرگ اسلامی و خود از متفکران برجسته جهان اسلام به شمار می‌رود. در واقع باید گفت امام صادق^(ع) زمینه‌های علمی فعالیت‌های مسلمانان و به خصوص شیعیان را در جوانب مختلف پژوهش و تحقیق

فراهم ساخت. نتیجه تلاش‌های امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) در مهیا ساختن زمینه رویکرد به اعتزال و بحث تعقل و تفکر و تدبّر در آیات الهی و جهان خلقت بسیار مؤثر بود. بنابراین امام رضا^(ع) وارث مجموعه‌ای عظیم از علوم و معارف الهی و بشری شده بود که سبب گشت قرن دوم و سوم و چهارم هجری عصر رنسانس اسلامی بنا شود (متز، ۱۳۶۲: ۱۲۵). اهتمام ائمه شیعه در قرن دوم هجری از ابعاد فراوان قابل تأمل است. زیرا این قرن مقارن با عصری بود که نحله‌ها و تفکرات در فرقه‌های گوناگون هر کدام به فعالیت پرداخته و مشغول برپایی مجالس درس و بحث بودند.

پیشرفت علوم معلول دو عامل مهم، امنیت روحی، روانی و همچنین وضعیت اقتصادی خوب در هر جامعه‌ای است. قرن دوم هجری با تحقق چند عامل این امر را محقق کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به این نکات اشاره کرد:

۱. وسعت ممالک اسلامی و پیشرفت اقتصادی
۲. ایجاد اماکن و مراکز آموزشی چون بیت‌الحکمه، دارالعلم
۳. توجه خلفا و صاحبان قدرت به تعقل و فلسفه (اعتزال)
۴. ارتباط‌های فرهنگی، اقتصادی با سایر مراکز علمی و کشورها
۵. بالا رفتن درک جمعی و شعور قومی
۶. پا گرفتن نهضت ترجمه در میان اسلام
۷. وجود روح تسامح و تساهل میان گروه‌های مختلف جامعه
۸. آرای اهل ذمه در زمینه فعالیت‌های علمی و پژوهشی.

۷- امام رضا^(ع) و مناظرات و احتجاجات

پس از گسترش سرزمین‌های اسلامی در قرن اول هجری و ادامه بیشتر آن در قرن دوم هجری قمری بر آمار نو مسلمانان و غیر مسلمانان بلاد مسلمین افزوده گشت. بالطبع هر کدام از این گروه‌ها با عقاید و فرهنگ و تفکر خاصی آمده بودند. چنین

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۴۳

❖ سال پنجم
شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶

جامعه‌ای محتاج بحث و تبادلات فرهنگی بیشتری است. این گروه‌ها در پذیرش اسلام اختیار داشتند که بسیاری از آن‌ها به تدریج به اسلام گرویدند. همچنین در جامعه باز انواع تراحم‌ها و تبادل آراها اتفاق می‌افتد به طوری که ورود اندیشه‌های تازه یا نوظهور به عالم اسلام خود فتح بابی شد تا کرسی‌های مختلف آزاد اندیشی و تضارب آرا در بلاد اسلامی برپا شود. توجه به این حوزه از اعتقادات و مباحثات باعث می‌شد تا روز به روز بر شمار کسانی که به این مسائل توجه کنند بیشتر شود. اسناد تاریخی حکایت از ورود طبقات مختلف جامعه اسلامی در این مباحث دارد. شخص خلیفه، وزرا، تشکیلات حکومتی، روحانیان، محدثان، فقها، ادبا، صاحبان خرد و معانی و بسیاری دیگر از شرکت در چنین مجامع علمی ابا نداشتند.

در چنین مجالس درس و بحث امام رضا^(ع) حضوری فعال و پویا داشتند هرچند شاید برخی انزواطلبی و گوشه‌نشینی را بر این حضور ترجیح می‌دادند. آن حضرت ضمن مکاتباتی با پیروان و عالمانی مانند فضل بن شاذان، اباصلت، گروه‌های مختلف چه به صورت شفاهی یا کتبی، مجادلات کلامی در حوزه مسائل عقیدتی و فقهی را میان ادیان و مذاهب رواج داد.

مناظره‌ها در قرن دوم هجری معمولاً یا به صورت خصوصی در منزل علما یا در مساجد یا در دربار خلفا برپا می‌شد. برخی از خلفا و پادشاهان خود به این مناظرات علاقه‌مند بودند.

وجود وزرا و خاندان‌های ایرانی در دربار این دسته از خلفا بر رونق و ایجاد این‌گونه مجالس می‌افزود.

حسن بن محمد نوفل هاشمی گوید: هنگامی که امام رضا^(ع) نزد مأمون رسید فرمان داد که رؤسای ادیان را مانند جاثلیق نصاری و رأس الجالوت و رؤسای صابین و هریذ اکبر و اصحاب زرتشت و قسطاس رومی و متکلمان را جمع کند، تا وی سخنان آن‌ها را

باشنود. مأمون به آن‌ها گفت: من شما را برای کار خیری در این‌جا جمع کرده‌ام و دوست دارم با پسر عموی من که تازه از مدینه وارد شده گفت‌وگو کنید. مأمون از امام خواست تا در مجلس اصحاب مقالات و اهل ادیان و متکلمان حاضر شود و امام پذیرفتند.

امام رضا^(ع) به نوفلی فرمود: هنگامی‌که با اهل تورات و انجیل و زبور و صائبان و هر بزد اکبر احتجاج کنم و آنان را مجاب نمایم مأمون خواهد فهمید که کار درستی انجام نداده و پشیمان خواهد شد (عطاردی، ۱۳۶۸: ۵۹۸). این‌گونه مجالس گویا بسیار پرشکوه برپا می‌شده است. در طی برگزاری این‌گونه جلسات، امام رضا^(ع) با عطف و مهربانی برخورد می‌کردند. در این طریق ابتدا امام رضا^(ع) به موارد توافقی میان خود و گروه مقابل اشاره می‌فرمود. وقوف ایشان به کتاب‌های آسمانی و آگاهی‌های بسیار برجزئیات آن کتاب‌ها خود امتیاز بزرگی در این مباحث به شمار می‌رفت تا جایی که جاثلیق نصرانی گفت: به مسیح سوگند در میان علما مسلمانان مانند شما کسی نیست (همان، ۶۰۹).

به طور کلی درباره احتجاجات امام رضا^(ع) با مسلمانان و غیرمسلمانان این گروه‌ها ذکر شده است:

۱. زنادق؛^۱ ۲. ثنویان؛^۲ ۳. جاثلیق نصرانی؛^۳ ۴. رأس الجالوت یهودی؛^۴ ۵. هر بزد اکبر؛^۵ ۶. علی بن محمد بن جهم؛^۶ ۷. ابو قره؛^۷ ۸. اسماعیل سندی؛^۸ ۹. یحیی بن ضحاک سمرقندی.^۹

۱. از اساس منکر خدا و ادیان بودند.

۲. قائل به دو آفریننده خیر و شر هستند.

۳. رهبر کاتولیک

۴. روسای یهودیان

۵. عالم‌ترین عالم زردشت

۶. عالم سنی مذهب

۷. مسیحی از دوستان اسقف اعظم و خبرپرداز و خبرنگار دوران امام رضا^(ع)

۸. فردی از هندوستان

۹. عالم سنی مذهب و دانشمند سمرقند

در تمام این مناظرات چند مطلب به چشم می‌خورد:

۱. صبر و متانت امام رضا(ع)^۲. استفاده از نظرات و پاسخ‌های گروه‌ها در تداوم بحث ۳. حضور به موقع امام در جلسات ۴. پرهیز از دست یازیدن به هر امر غیر اصولی در بحث‌ها ۵. احقاق حقوق و برپایی شعائر اسلامی ۶. استقبال از آرا و نظرات مخالفان در هر صورت ۷. طولانی نشدن بحث‌ها و پاسخ‌های در خور و نه چندان مفصل ۸. تسلط زیاد و استفاده از کتاب‌های دینی سایر ادیان در جلسات بحث و مناظره ۹. انتشار تشیع و اصول مذهب شیعه در لابه‌لای بحث‌ها.

نکته دیگری که در مناظرات امام رضا(ع)^۳ دیده می‌شود آن است که حضرت مانند متکلمی ماهر که با بهره‌گیری از اصول و نظرات پذیرفته شده گروه مقابل به بحث می‌پردازد. به عبارت دیگر استدلالی منطقی است که فن جدل در آن رعایت شود.

امام رضا(ع)^۴ پس از ولایتعهدی هم قدرت سیاسی و هم قدرت روحانی داشت با این حال ایشان مصداق بارز تسامح می‌باشد زیرا اگر تساهل و تسامح را همان خفص جناح و سعه صدر بدانیم پیامبر هم آن را داشتند و بخشایش بزرگی بر مخالفان خود اعمال می‌کردند.

به نصّ تاریخ، مأمون خود از برپایی جلسات مناظره حمایت و حتی شرکت می‌کرد. مأمون می‌دانست که علم امام رضا(ع)^۵ که از پدرانیش به او رسیده بود تا چه حد بلندمرتبه است بنابراین شنیدن واقعیت‌ها و حقایق علمی از زبان ایشان هم در کنار سایر دانشمندان دل‌چسب و جالب توجه بود. شاید هدف دوم مأمون از برپایی مناظرات این که می‌خواست حقایق دین اسلام را خدشه‌دار سازد.

بسیاری اعتقاد دارند مأمون مجالس مناظره را بدین جهت برپا می‌کرد که امام(ع)^۶ از پاسخ عاجز بماند و بدین وسیله نادرستی یکی از ادعاهای اساسی اش بر مردم روشن گردد. جعفر مرتضی حسینی در کتاب «زندگی سیاسی هشتمین امام(ع)^۷» می‌نویسد: «به

نظر من اگر مأمون در این راه توفیقی به دست آورده بود دیگر نیازی به کشتن امام نداشت. چه دیگر او یک فرد معمولی بود که از هر گونه حجت امام^(ع) دستش خالی بود» (خلیلیان، ۱۳۷۳: ۱۹۵).

اما آیا واقعیت چنین بوده است؟ آیا مأمون تا آن هنگام خود به مقام والای صادقین و نواده ایشان امام رضا^(ع) پی نبرده بود؟ به نظر می‌رسد این سخن کمی سخیف و پیش پا افتاده باشد که امام^(ع) در این گونه مجالس در مقابل رؤسای ادیان و دانشمندان نتواند به اثبات حقانیت ادعاهای خود بپردازد.

۸- ایجاد کرسی‌های نقد و تفکر در مباحثه

سیره و برخورد عملی دیگر امامان و رهبران الهی، بیانگر استمرار سیره پیامبر و امام علی^(ع) در برخورد با عقاید و شبهات اربابان مختلف است. در زمان امام باقر و امام صادق و امام رضا^(ع) که تقریباً محیطی آزاد برای گسترش معارف اسلامی پدید آمده بود و امامان، فرصتی را در راه نشر فرهنگ اسلام و تفسیر قرآن پیدا کرده بودند، افراد گوناگونی از غیر مسلمانان را مشاهده می‌کنیم که آزادانه در محضر آنان رفت و آمد می‌کردند و به بحث و تحقیق، درباره عقیده خود می‌پرداختند و سؤالات و شبهات خود را با کمال آزادی در آن مجالس مطرح می‌کردند و ائمه نیز، با متانت و احترام، به آنان پاسخ می‌گفتند. گاه این قبیل مناظرات، در مدینه و در مسجد پیامبر، انجام می‌گرفت. امام صادق^(ع) و شاگردانش، نه تنها به منع آنان نمی‌پرداختند بلکه با کمال خوش‌رویی به سخنان آنان گوش فرا می‌دادند و به مناظره و مباحثه با آنان می‌پرداختند. اشخاصی همانند ابن ابی العوجاء، ابو شاکر دیصانی و... در مجالس ائمه^(ع) حاضر می‌شدند و افکارشان را در زمینه خداشناسی، نبوت و... بیان می‌کردند. و درباره قرآن و پیامبر اسلام^(ص) به مناقشه می‌پرداختند و ائمه^(ع) نیز، بدون برانگیختن احساسات و یا طرد آنان، به مناقشات آنان پاسخ می‌دادند.

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۴۷

در زمان امام رضا^(ع)، نیز این حضرت عقاید، شبهات و سوالات علمای زیادی از اهل ادیان مختلف، را با کمال آزادی مطرح ساختند و حضرت نیز با کمال آرامش و با استدلال از کتب خود آنان، به آنان پاسخ داد.

این برخورد منطقی امام رضا^(ع) چنان در این جمع عالمان و دانشمندان غیر مسلمان تاثیر گذاشت که برخی از آنان اسلام آوردند و از مدافعین اسلام شدند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر امام رضا^(ع) را می‌توان آزادی نسبی اندیشه و بیان دانست. مبنای اساسی این رفتار و روش عملی امام رضا^(ع) با پیروان سایر ادیان، الگوهای رفتاری قرآن کریم و استمرار سیره نبوی است؛ چه این که حضرت رسول^(ص) نیز در دیپلماسی مترقی خود با سران کشورهای غیرمسلمان همچون خسرو پرویز پادشاه ایران، قیصر سلطان روم، نجاشی پادشاه حبشه و... رفتاری مبتنی بر اخلاق قرآنی اتخاذ کرده است (احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۹۷ - ۱۰۵). نامه‌های دعوت خود را با این آیه از قرآن کریم آغاز می‌فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ...»؛ بگوای اهل کتاب بیاید به سوی یک کلمه که میان ما و شما مشترک و یکسان است. پرستش نکنیم جز خدای یکتا را و برای او شریکی نگیریم و بعضی، بعضی دیگر را پروردگار خویش نشناسیم (آل عمران، ۶۴).
رویه امام رضا^(ع) در مناظراتش این نیست که اعتقادات اسلام را برای طرف مقابل حق بالقوه فرض کند، بلکه از طریق استدلال عقلی و براساس مشترکات اعتقادی و دینی به رفع اشکالات می‌پرداختند و به اثبات حقایق اسلام می‌پرداختند.

۹- تأثیر حضور امام رضا^(ع) در خراسان برای جذب غیر مسلمانان

قرن‌های اول و دوم هجری دوران فتوحات و جنگ‌های بسیار داخلی و خارجی جهان اسلام قلمداد می‌شود. در جبهه خارجی درگیری مرزی و دولت‌های هم‌جوار از یک سو و تهاجم اندیشه‌ها و فرق و نحله‌های فکری مختلف از سوی دیگر آشفته

بازاری ساخته بود. در این مشغله‌های مختلف بزرگ‌ترین نقش ائمه شیعه همان بازسازی تفکرات ناب اسلامی بود که هر آن بیم فراموشی آن‌ها می‌رفت. وجود دستگاہ خلفای عرب به عنوان مانعی مقابل ائمه شیعه خود از بزرگ‌ترین و مسئله‌دارترین موانع فعالیت‌های ائمه^(ع) به شمار می‌رود.

بنی امیه و بنی عباس در طول این دو قرن با دقت کلیدی فعالیت‌های شیعیان و رهبران فکری و مذهبی آنان را دنبال می‌کردند. بنابراین چگونگی فعالیت‌های امام تشیع بستگی به موقعیت زمانی و مکانی آن‌ها داشت. در دوره امام رضا^(ع) اشاعه اصول اسلامی و انتشار احکام این آیین با مسالمت و آرامش برگزار شد. امام هشتم^(ع) اندیشه جنگ فیزیکی با قدرت حاکم را نداشتند. ایشان خردمندان و عالمانه در صدد جذب قلوب غیر مسلمان برخاستند. گروه‌های غیرمسلمان آزادانه در دوره اموی و عباسی در قرن‌های اول و دوم هجری در جوامع اسلامی حضوری پررنگ داشتند و کمتر گزارشی درباره تعقیب و آزار عقیدتی ایشان در منابع تاریخی موجود است.

با این حال همان‌طور که میان گروه‌های شیعه نوعی اختلاف آرا و حتی بهت و حیرت حاکم و کمتر یکپارچگی وجود داشت مانند اسماعیلیه و...، گروه‌های مختلف اهل کتاب و غیر از آن‌ها نیز دچار اختلافات بسیاری بودند.

غیر از دوران امام علی^(ع) در قرن اول هجری و عصر صادقین^(ع) در قرن دوم هجری برای کمتر کسی از ائمه^(ع) شرایط پاسخ‌گویی به شبهات مختلف پیش آمده در جامعه بزرگ اسلامی فراهم آمد؛ اما این موقعیت در دوران امام رضا^(ع) پدید آمد که رجلی آگاه به علوم دینی و دارای منصبی سیاسی بتواند آزادانه با گروه‌های مختلف غیرمسلمان دیدار کند و مجهولات آن‌ها را جواب‌گو باشد.

این وضعیت ثمرات چندانی را در قرن سوم هجری قمری از خود به جا گذاشت:

۱. مناطق شرقی جهان اسلام به واسطه امام هشتم^(ع) و جوّ به وجود آمده از دوران مأمون

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۴۹

- ❖ سال پنجم شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶
- به یکی از قطب‌های علمی جهان اسلام تبدیل شد به طوری که قدیمی‌ترین مدارس جهان اسلام را در قرن‌های سوم و چهارم هجری در این مناطق شاهد هستیم.
۲. استفاده از راهبرد کلام معتزله و علوم عقلی که توسط امام رضا^(ع) به کار گرفته شد توسط پیروان و کسانی که محضر ایشان را درک کرده بودند ادامه یافت هرچند قرن سوم مکتب اشعری‌گری بیشتر اشاعه یافت اما فعالیت‌های عقلانی امام رضا^(ع) در جریان مباحث به تقویت این روحیه و تشویق به گروه‌های مختلف مسلمان و غیر مسلمان انجامید به طوری که شاهد فعالیت‌های معتزله در شرق جهان اسلام هستیم.
۳. امام رضا^(ع) در میان سایر ائمه در ارتباط با حضور در مجامع بحث و مناظره اهل کتاب سهم بیشتری دارند. برخی از نویسندگان این خصوصیت ایشان را نادیده گرفته‌اند یا خیلی گذرا به آن نگریسته‌اند. درحالی که امام هشتم^(ع) از جمله پیشروان این‌گونه بحث‌ها پس از امام علی^(ع) به شمار می‌روند. قطعاً اگر امام^(ع) از راهبرد اصل سمحه و سهله سود نمی‌بردند نمی‌توانستند به بحث و مناظره با غیرمسلمانان پردازند. این مطلب درحالی است که در همان ایام برخی غیرمسلمانان را کافر و نجس خطاب می‌کردند و حاضر به هیچ مراوده‌ای با ایشان نبودند.
۴. ایجاد ظرفیت و توان بالا برای شنیدن صحبت‌های مخالفان در جامعه اسلامی گاه حتی برخی از مسلمانان حاضر به شنیدن و نشستن با غیرمسلمانان در یک جلسه نبودند در حالی که ائمه^(ع) شیعه و به خصوص شخص امام هشتم^(ع) با رفتار خود به دیگران بر ایجاد صلح و آرامش در جامعه تأکید می‌ورزیدند و در طی مناظراتی با اهل کتاب توجه به رعایت حقوق و احترام متقابل می‌گذاشتند.

۱۰- الگوی تربیتی و جنبه آموزشی استفاده از اصل تسامح و تساهل اسلامی امام رضا^(ع) با اطرافیان شان

امام علی بن موسی الرضا^(ع) با پیروان ادیان و فرق مختلف، برخوردی مسامحه‌آمیز

داشته است که یک الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیرمسلمانان به شمار می‌آید. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان، به نحوی است که برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف کرده، گاهی با امام^(ع) به مباحثه می‌پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصب و سخت‌گیری، به بحث می‌پرداخت. امام^(ع) نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته‌ای داشت، بلکه دربارهٔ عوام و تودهٔ این فرقه‌ها نیز با رفق و مدارا رفتار می‌کرد.

در اهمیت رفق و مدارا با دیگر انسان‌ها در فرهنگ و سیره رضوی، همین بس که حضرت یکی از خصوصیات مؤمن حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی می‌نماید؛ چرا که به قول ایشان، خداوند عزوجل، پیامبرش را به مدارای با بندگان، امر فرموده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۳۳۹).

در سیره، رفتار و برخورد امام رضا^(ع) با پیروان ادیان و فرق مختلف، عادلانه و عاقلانه و به دور از ظلم و تبعیض و مبتنی بر انصاف و انسانیت و مهرورزی بود. برای مثال، یاسر، خدمت‌گزار امام می‌گوید: از نیشابور نامه‌ای به مأمون رسید به این مضمون که مردی زردشتی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده، میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا^(ع) عرض کرد: ای سرور من در این موضوع چه می‌فرمایید؟ امام فرمود: زردشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زردشتی بدهد (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۱).

از این جمله، می‌توان به احتجاج امام رضا^(ع) با دانشمندان دیگر ادیان و مذاهب اشاره کرد. آن حضرت در مناظره‌های خود با اهل کتاب، با بهره‌گیری از شیوه «جدال احسن»، برای اثبات دیدگاه خویش و ابطال نظر آنان به کتاب مقدس آن‌ها (عهد جدید و

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۵۱

❖ سال پنجم
شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶

عهد قدیم) استناد می‌کردند که آموزه‌هایش مورد قبول آنان بود. البته روشن است که استناد امام به تورات، انجیل و زبور لزوماً به معنای پذیرش و حیانی بودن همه آموزه‌های موجود در نسخه‌های کنونی آن‌ها و راه نیافتن تحریف در آن‌ها نیست و تنها در صورتی می‌توان درستی مضامین و انطباق آن با وحی نازل شده بر پیامبران پیشین را پذیرفت که با آموزه‌های توحیدی قرآن و سنت، عقل سلیم و حقایق مسلم تاریخی در تضاد نباشند. برای مثال، امام رضا^(ع) در مناظره با جاثلیق با اشاره به انجام معجزاتی همانند معجزات حضرت عیسی^(ع) به دست پیامبرانی دیگر، عبودیت و بندگی آن‌حضرت برای خداوند و ارائه یک شخصیت کاملاً انسانی برای ایشان در سه انجیل متی، مرقس و لوقا، اعتقاد به الوهیت او را به نقد و چالشی بنیادین کشیدند. مذاکرات امام رضا^(ع) با سایر ادیان، فاقد هرگونه خودرأیی و چیره‌طلبی بوده، با مناظرات متداول که با قصد کوچک‌شماری و ساکت کردن خصم صورت می‌گرفت کاملاً متفاوت است. روش حضرت، بیان روشن‌گرانه معارف الهی و آزاد گذاشتن طرف مقابل در پذیرش یا عدم پذیرش است و نه تحمیل عقیده شخصی (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۷۸). رویه امام رضا^(ع) در مناظرات این نیست که اعتقادات اسلام را برای طرف مقابل حق بالقوه فرض کنند، بلکه از طریق استدلال عقلی و براساس مشترکات اعتقادی و دینی به رفع اشکالات و به اثبات حقانیت اسلام می‌پرداختند.

۱۱- راهبردهای سیره عملی امام رضا^(ع) در جهت تقریب مذاهب

تتبع از الگوی رفتاری با پیروان سایر ادیان در سیره رضوی، بی‌ارتباط با تلقی حضرت رضا^(ع) از حقانیت یا بطلان ادیان و شرایع پیشین نیست. پر واضح است که دین گاهی به حق و زمانی به باطل وصف می‌شود؛ زیرا مجموعه عقاید و اوصاف اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی یا حق است یا باطل یا ممزوج از حق و باطل است. قرآن کریم رهاورد انبیا را دین حق می‌داند، چون عقاید و اخلاق و مقررات آن، مطابق با واقع است

و آنچه مطابق نظام هستی و منسوب به خداوند باشد، حقّ است؛ «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران، ۶۰) در فرهنگ و سیره رضوی که ترجمان وحی الهی است، ادیان آسمانی با همه جلوه‌های تاریخی‌شان، دارای ماهیت واحدند. با این وجود، تحریف ادیان از مسیر اصلی و حقیقی خود که در طول تاریخ و به دست حکام فرصت‌طلب صورت گرفته، باعث شد تا ادیان آسمانی در برخی اصول از یکدیگر فاصله گیرند.

امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص خود در دوران ولایتعهدی، گامی مؤثر در راستای رفع اختلافات، آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت اسلام برداشته و شاید به جرئت بتوان گفت که ایشان اولین شخصیتی است که باب «گفت‌وگوی ادیان» را به جامعه اسلامی باز کرد. نمود بارز این پدیده را می‌توان در مناظرات امام^(ع) با جاثلیق به نمایندگی از آیین مسیحیت، رأس الجالوت به نمایندگی از دین یهود، هیربد موبد بزرگ به نمایندگی از دین زردشت، عمران صابی به نمایندگی از صابئان و عده‌ای از علما و سران برهمن، مشاهده کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۴ و ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۳ - ۲۲۱).

بنابراین برخلاف نظر هانتینگتون، صاحب نظریه برخورد تمدن‌ها که معتقد است مسیحیت به دلیل تساهل و تسامح، بهترین دین برای سعادت بشر است و اسلام، به دلیل آمیختگی با سیاست، نمی‌تواند در این زمینه مؤثر باشد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۱۵۲) و همچنین دیدگاه سید قطب، مبنی بر این که اسلام بر اساس آیه «لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف، ۹) باید سلطه داشته باشد، امام رضا^(ع) عملاً اثبات کرد که از دیدگاه اسلام، ادیان آسمانی می‌توانند با تکیه بر مواضع وفاق واقعی، به مذاکره و گفت‌وگوی صلح‌آمیز پردازند.

از این رو گرچه اصل گفت‌وگوی ادیان، از عصر نبوی شروع و در عصر علوی ادامه یافت و سایر ائمه همچون صادقین^(ع) آن را پیش بردند، اما اگر عصر رضوی را دوره

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۵۳

اوج و ترویج فرهنگِ گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب بدانیم، به بیراهه نرفته‌ایم؛ چه این که در زمان ایشان دست کم دو نوع گفت‌وگو رایج بوده است: گفت‌وگوی «درون مذهبی» که همان بحث تقریب مذاهب اسلامی را شامل می‌شود و گفت‌وگوی «برون مذهبی» که معنای امروزی آن، گفت‌وگوی ادیان است.

امام رضا^(ع) تقریب مذاهب را هیچ‌گاه پذیرش و سکوت در مقابل اعتقادات و نظرات دیگر مذاهب نمی‌دانند. بلکه تعامل صحیح و احتجاج بر اساس نظرات و اعتقادات خودشان را سرلوحهٔ خویش قرار می‌دهند و اصحاب و یاران‌شان را از تسریع در پذیرش یا نفی انکار عقاید سایر مکاتب باز می‌دارند و به منظور مصون نگه داشتن آنان از مکاتب انحرافی چندین روش و راهکار را به کار بردند.

۱۱-۱- پاسخ‌گویی به شبهات و سوالات با استفاده از منابع مورد قبول مذاهب

مختلف

امام در مقابل سایر ادیان نیز با استناد به منابع مورد قبول آنان چون انجیل و تورات و زبور به حل مسائل و احتجاج می‌پرداختند و بر خلاف عملکرد خلفای عباسی، حرکت امام رضا^(ع) جز در قبال واقفیه مغرض که عمال حکومتی بودند و به مسموم ساختن افکار و اندیشه شیعی می‌پرداختند از در تکفیر، رد، طرد و نفی وارد نشدند بلکه با جذب آنان و ایجاد فضای پرسش و پاسخ با آنان همراه شدند و سپس، به قدرت برهان و حقانیت خویش آنان مغلوب ساختند.

۱۱-۲- طریق مبادی عقلی

امام رضا^(ع) نه تنها دعوت به تفکر و تعقل می‌کردند بلکه خود نیز در مباحث و مناظرات خود تکیه بر عقل داشتند زیرا بر پایه استدلال عقلایی کلیه منکران ناچار به تسلیم هستند. از این رو، در تمام مباحثات اعتقادی و کلامی امام رضا^(ع) استدلال را بر پایه عقل می‌نهند، مگر آن که ابتدا نقل و مستند کلام شان را بر پایه عقل اثبات نمایند و

به آن اقرارگیرند، سپس از آن بهره جویند. نمونه‌ای از استدلال امام به شیوه به کارگیری مبادی عقلی درباره اراده الهی است. در پاسخ به این سوال که آیا اراده عین ذات الهی است یا زائد بر آن؟ امام رضا^(ع) در پاسخ سلیمان مروزی، کلامی مشهور خراسان که معتقد بود، اراده خداوند عین ذات او نیست ولی غیر از خداوند هم نیست، می‌فرماید: ای جاهل، هنگامی که می‌گویی اراده خدا عین ذات او نیست باید چیزی غیر او باشد، هنگامی که می‌گویی اراده چیزی غیر از ذات نیست باید عین آن باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۴۵۳) و در این جا، برهان حضرت بر مبنای اصل عقلی امتناع جمع عینیت و غیریت که دو امر نقیض‌اند و قابل رفع و جمع نیستند، استوار است.

سیره عملی امام رضا^(ع) در ارائه برهان برای هر اصل کلی در معارف الهی و استناد به مبادی تصدیقی خاص و عام بوده است و همان گونه که از مبادی بدیهی تصدیق در استدلال عقلی استفاده می‌کردند به کارگیری آن در اسلوب منطقی کلام را نیز می‌پسندیدند (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۷).

توفیق امام^(ع) در این زمینه، از چند منظر قابل تأمل است؛ از منظرسیاست، برای اولین بار حکومت مسلط به سراغ امام^(ع) رفته، در ظاهر، خلافت و پس از آن ولایتعهدی را به امام^(ع) پیشنهاد می‌دهد که به هر دلیل، پیشنهاد اخیر مورد قبول امام^(ع) قرار می‌گیرد. از منظر مسائل فرهنگی، ایشان ۱۷ سال از دوره امامت خود را در مدینه سپری می‌کند و با آزادی نسبی به نشر معارف اسلامی و مذهبی می‌پردازد (صفری فروشانی، ۱۳۸۸: ۵۸). آن چه بر اهمیت موضوع گفت‌وگوی ادیان و مذاهب می‌افزود، شخصیت خاص و ویژه مأمون بود که به عنوان عالم‌ترین و علم‌دوست‌ترین خلفای بنی‌عباس معرفی شده است و همو بود که به هر دلیل، کم‌نظیرترین مجالس مناظره و احتجاج را در مرو تشکیل می‌داد تا دانشمندان آیین‌ها و مذاهب مختلف، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و برای اثبات باورهای خود به تلاش بپردازند (همان، ۱۳۸۸: ۵۹).

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع) ❖ ۵۵

❖ سال پنجم
شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶

اما سیره ارتباطی حضرت با پیروان سایر ادیان، مبین آن است که شناخت جهان و حقایق عالم در گرو فهم فرهنگ‌های جهانی است. بنابراین لازمه گفت و گوی سنت‌های دینی و توفیق در رفتار ارتباطی با نوع بشر، وسعت شناخت فرهنگ‌ها و ادیان مختلف است. تسلط کامل حضرت بر لغات و زبان‌های زنده جهان و آشنایی با فرهنگ معرفتی و متون سایر ادیان و مکاتب، سندی گویا و شاهدهی عملی بر این مدعا است.

۱۲- شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان «دیگر ادیان» در سیره امام رضا(ع)

با سیری در حیات فکری امام رضا(ع) و نهضت علمی که توسط آن حضرت شروع شد، به خوبی می‌توان دریافت که درست در آن زمانی که غرب در قرون وسطی سیر قهقرایی انحطاط فرهنگی را پشت سر می‌گذاشت و روز به روز حلقه محاصره فرهنگ و اندیشه آنان تنگ‌تر می‌گشت، در مقابل، اندیشه اسلامی و فرهنگ مترقی رضوی با تبلیغ و ترویج حریت و آزادگی فکری نه تنها بر اندیشه‌های مخالف بر نمی‌آشفت بلکه با رویی گشاده و آغوشی گشوده، هر اشکال و شبهه‌ای را پاسخ می‌داد و برتری خود را نه در حذف که در مواجهه با اندیشه‌های مخالف جست‌وجو می‌کرد. به نظر نگارنده، این رویه آزادمنشانه حضرت رضا(ع) دست کم چند نتیجه داشت:

یک) مَهر تأیید بر تبادل اندیشه و آزادی فکر و بیان

دو) اثبات حقانیت اسلام به شیوه‌ای منطقی، عقلی و علمی

سه) فرهنگ سازی و ارائه الگوی رفتاری در ارتباط با پیروان سایر ادیان و مذاهب
شایان ذکر است یکی از مباحث مهمی که بسی جای کاوش‌های محققانه داشته و خود به تنهایی ارائه دهنده الگوها و مدل‌های تعلیمی تربیتی و حاوی سبک و شیوه موفق در بحث و مناظره است، بررسی ویژگی‌های بحثی و روش‌های کاربردی آن حضرت در مناظره و مباحثه است که این خود، پژوهشی مستقل و مفصل می‌طلبد. اما به اقتضای

تناسب بحث، به چند نکته از این ویژگی‌ها، به عنوان شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان دیگر ادیان، اشاره می‌شود:

۱۲-۱- التزام به اخلاق انسانی (احترام و مهرورزی)

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است. از این‌رو، حضرت دوستی عام و خاص را به خود جلب فرموده بود. انسانیت امام^(ع) یگانه و بی‌مانند و در حقیقت، تجلی روح نبوت و مصداق رسالتی است که خود آن حضرت، یکی از حافظان و وارثان اسرار آن به شمار می‌رود. از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده که گفته است: «من ابی‌الحسن الرضا(ع) را هرگز ندیدم در سخن گفتن با کسی درشتی کند، هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند، هرگز درخواست کسی را که قادر به انجام دادن آن بود، رد نفرمود... هرکه بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید.» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۴).

امام رضا^(ع) رسالت اخلاقی خود را این‌گونه نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که این شیوه پیامبرگونه‌ای است که می‌توان بدان به اوج کمالات انسانی رسید و به بلندای عظمت واقعی گام برداشت و به همین اخلاق و رفتار است که می‌توان اصالت و عمق ایمان و علو ذات و بلندی مقام انسان را شناخت. حضرت الگوی اسلام را در روابط میان انسان‌ها با برخی اعمال خود که تراویده از رفتار یک انسان کامل و حقیقی است، بیان می‌فرماید. آن چنان که می‌توان دریافت که از نظر حقوق جامعه و رعایت شرف انسانی، هرگونه امتیاز طبقاتی و هر نوع برتری جویی فردی و اجتماعی را لغو کرده است و تنها تفاوتی که بین انسان‌ها در نظر گرفته، فرمانبرداری خدا و نافرمانی اوست (فضل الله، ۱۳۶۹: ۴۴). به طور نمونه، شخصی به امام^(ع) عرض کرد: «به خدا سوگند در روی زمین از حیث نسب کسی از شما برتر نیست، امام^(ع) به آن شخص فرمود تقوا به آنان برتری داد و فرمانبرداری خدا، آنان را بدان مقام رسانید» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۶). رفتار و برخورد امام رضا^(ع) با پیروان ادیان و فرقی مختلف، عادلانه و عاقلانه و به دور از ظلم و تبعیض و مبتنی بر

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۵۷

❖ سال ۱۳۹۶
شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶

انصاف و انسانیت و مهرورزی بود. از باب مثال، یاسر خدمت‌گزار امام^(ع) می‌گوید: «از نیشابور نامه‌ای به مأمون رسید به این مضمون که مردی زردشتی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا^(ع) عرض کرد: ای سرور من در این موضوع چه می‌فرمایید؟ امم فرمود: زردشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زردشتی بدهد.» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۴).

بُعد دیگری از الگوی رفتار امام رضا^(ع) را باید در اخلاق و آداب مناظرات حضرت با سران ادیان و مذاهب، کاوش کرد. چه این که با تأمل در نوع بیان و ادبیات گفت‌وگوهای امام رضا^(ع) می‌توان دریافت که مذاکرات ایشان با سایر ادیان، فاقد هرگونه خود رأیی و چیره‌طلبی بوده، با مناظرات متداول که به قصد تحقیر و اسکات خصم صورت می‌گرفت، کاملاً متفاوت است. روش حضرت، بیان روشنگرانه معارف الهی و آزاد گذاشتن طرف مقابل در پذیرش یا عدم پذیرش و نه تحمیل عقیده شخصی است. (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۸ - ۱۸۶؛ ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۹ - ۱۹۰) بنابراین الگوی رفتار ارتباطی با دیگر ادیان در سیره رضوی، مبتنی بر اخلاق و بردباری و شناختن حق مخالفان است.

۱۲-۲- مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس سایر ادیان

«مخاطب‌شناسی» و «آشنایی با زبان»، علم و دانش وسیع و اطلاعات جامع نسبت به متون دینی و آموزه‌های آسمانی سایر ادیان و مکاتب عصر را می‌توان از دیگر شاخص‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی امام رضا^(ع) با پیروان دیگر ادیان و مذاهب به حساب آورد. طبق اسناد تاریخی و روایی معتبر، حضرت رضا^(ع) به همه زبان‌های مختلف آشنایی کامل داشت و با زبان متداول و رسمی مخاطب از هر قوم و آیینی با وی گفت‌وگو می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۸) مناظره مشهور امام^(ع) در بصره با عالمان و سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است. شخصی به نام عمرو بن هذاب

به امام^(ع) عرض کرد: محمدبن فضل مدعی است که شما به آنچه خدا نازل کرده است عالمید و با هر لغت و زبانی آشنا هستید. امام^(ع) فرمود: او راست گفته است، می‌توانید امتحان کنید! عمروبن هذاب: قبل از هرچیز درباره آشنایی با زبان‌ها و لغات مختلف، تو را می‌آزمایم. ما افرادی از زبان‌های مختلف رومی، هندی، فارسی و ترکی در اینجا حاضر کرده ایم تا با شما در این باره سخن بگویند. امام^(ع): هرچه دوست دارند به زبان خود پرسند إن شاء الله پاسخ خواهم داد. به دنبال اعلان آمادگی حضرت رضا^(ع) هریک از افراد مسئله‌ای را به زبان خود پرسیدند و حضرت نیز به زبان آنان به تمام مسائل پاسخ داد به طوری که مایه تعجب و حیرت مردم گردید. و همه آنان که با حضرت سخن گفته‌اند اعتراف کردند که حضرت نسبت به زبان آنان از خودشان آشناتر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۷۳-۷۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۸۹) شیوه خاص حضرت در گفت و گو با سران ادیان و مکاتب مختلف اقتضا می‌کرد تا ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی ایشان، با زبان، منطق و مکتب خودشان آن‌ها را قانع کند. این مطلب از فحوای کلام خود امام^(ع) قابل فهم است که فرمود: «... من با اهل تورات به تورات شان، با اهل انجیل به انجیل شان، با موبدان به شیوه پارسی شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت و گو به زبان‌های خودشان، استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وای می‌دارم...» (اربلی، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۵).

برای اثبات برتری علمی امام رضا^(ع) بر دیگر مردمان، نیازی به گواهی هیچ کس نیست بلکه کافی است در کتب حدیث، تتبع و تأمل گردد که سرشار از تعالیم و بیانات آن حضرت در علوم و فنون مختلف است به نحوی که هر انسانی در هر مرتبه از علم و معرفت باشد چاره‌ای جز اعتراف و احساس عجز و قصور در برابر مقام شامخ علمی آن حضرت ندارد. لیکن از باب استناد، به برخی از روایات و شواهد تاریخی بر مقام علمی امام^(ع) اشاره می‌شود:

۱- از ابراهیم ابن عباس صولی نقل شده که گفته است: «من ندیدم از امام رضا(ع) پرسشی شود که او آن را نداند و دانتری از او به آنچه تا زمانش بر روزگار گذشته است ندیده‌ام. مأمون با پرسش از

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۵۹

هر چیزی آن حضرت را می‌آزمود و امام^(ع) او را پاسخ می‌فرمود، در حالی که تمامی پاسخ‌های آن حضرت، مأخوذ از قرآن و مستند به آن بود» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۸۰).

۲- رجاء بن ابی ضحاک نقل می‌کند که آن حضرت در هیچ شهری وارد نمی‌شد مگر این که مردم از هرسو به او رو می‌آوردند و مسائل دینی را از آن امام^(ع) می‌پرسیدند و پاسخ قانع‌کننده دریافت می‌کردند تا جایی که مأمون خطاب به رجاء گفت: «بهترین و داناترین و عابدترین مردم روی زمین است» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۸۱).

۳- از اباصلت هروی نقل شده که امام^(ع) جلسات متعددی با دانشمندان و سران ادیان و مذاهب مختلف داشته که رفتار اخلاقی و منطق علمی حضرت در این نشست‌ها، ثمره‌ای جز مغلوب شدن و اقرار به عجز و ناتوانی علمی آن‌ها و اعتراف به فضل و برتری امام^(ع) به عنوان نماینده و زعیم مکتب اسلام دربر نداشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰).

۴- در روایت دیگری به نقل از خود علی بن موسی الرضا^(ع) آمده است: «من در روضه پیامبر(ص) می‌نشستم و دانشمندان در مدینه زیاد بودند، چون یکی از ایشان در مسئله‌ای ناتوان می‌شد، همگی متوجه من گردیده و مسائل را نزد من می‌فرستادند و پاسخ را دریافت می‌کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۱) بنابراین بی‌جهت و دور از انتظار نیست که از بین ائمه هدی^(ع)، حضرت رضا^(ع) را «عالم آل محمد» لقب داده‌اند.

اما درباره «مخاطب شناسی» که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به شمار می‌رود باید گفت که آن حضرت وظیفه خویش را تکلم به میزان عقل مخاطبین دانسته و با درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان‌ها، بدون ورود به مباحث پیچیده علمی و تعرض به ظرافت‌های فنی و تخصصی، به پاسخ‌گویی مشکلات و معضلات فکری و عقیدتی آنان می‌پرداخت.

۱۲-۳- آزادی فکر و بیان (به رسمیت شناختن حق فکر و سؤال برای پیروان دیگر ادیان)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فکری و فرهنگی عصر امام رضا^(ع) را می‌توان آزادی نسبی در اندیشه و بیان دانست که حضور عالمان غیرمسلمان و بروز اندیشه‌های گوناگون در قالب مباحثات و مناظرات آزادانه، از لوازم مهم این پدیده تلقی می‌شود. بی‌تردید، مبنای اساسی این رفتار و مُتد عملی امام رضا^(ع) با پیروان سایر ادیان، الگوهای رفتاری قرآن کریم و استمرار سیره نبوی است.

یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور نهضت کلامی و رونق مباحث دینی و عقیدتی در عصر رضوی، توجه ویژه حضرت رضا^(ع) به آزادی انسان به‌خصوص در ساحت فکر و اندیشه است. پر واضح است که به رسمیت شناختن حق سؤال و پرسش برای مخاطب، از لوازم آزادی فکر و بیان به شمار می‌آید. تتبع در تاریخ و سیره رضوی، پایبندی عملی حضرت به لوازم خطیر و حساس این نوع آزادی را صحه می‌گذارد. از باب نمونه، امام^(ع) در یکی از مناظرات بصره به یکی از یارانش فرمود: «تمام کسانی را که در جلسه محمد بن فضل حاضر بودند و بقیه شیعیان ما را دعوت کن، جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فراخوان و از آنان بخواه که در جلسه هرچه می‌خواهند از من پرسند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۷۲).

بدین ترتیب، سعه صدر امام^(ع) و احترام به حقوق طبیعی مخاطبین به ویژه حق آزادی فکر و بیان یکی دیگر از شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان را در فرهنگ رضوی رقم می‌زند.

۱۲-۴- مدارا و «تسامح دینی»

رفق و مدارا و «تسامح دینی»، از دیگر شاخص‌های الگوی رفتاری با پیروان سایر ادیان و مذاهب در فرهنگ رضوی است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که تساهل و تسامح دینی با پیروان دیگر ادیان و

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۶۱

آزاد گذاشتن آن‌ها در اندیشه و بیان، به معنای حقانیت مطلق و حتی نجات و سعادت‌مندی همه آن‌ها در آخرت نیست. توضیح آن که اگر بررسی آرا و عقاید به لحاظ آخرت باشد، فقط یکی حق است و رهرو یک راه، اهل نجات است، ولی اگر به لحاظ دنیا باشد انسان‌ها با ادیان و عقاید متعدّد می‌توانند در کمال رفق و مدارا و رواداری دینی با هم زندگی کنند.

برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف نموده و گاهی با امام به مباحثه می‌پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصّب و سخت‌گیری، بحث می‌کردند. امام^(ع) نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته‌ای داشت بلکه با عوام و توده این فرقه‌ها نیز با رفق و مدارا رفتار می‌کرد.

امام رضا^(ع) در سیره فکری و عملی ایشان در ارتباط با پیروان سایر ادیان، اهل تسامح و سعه صدر بودند. حضرت نه تنها به لحاظ فکری و نظری بلکه به لحاظ عملی و سلوک رفتاری نیز چنین بوده است. احترام توأم با رفق و مدارا در مناظرات با سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است (ابن بابویه، ۱۳۷۰: ۸۹) ایشان درباره اهل عناد، سخت‌گیر بوده اما هرگز کسی را صرفاً به خاطر عقاید خاصی مورد توهین و استهزا قرار نمی‌داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۲).

این مطلب نیز خالی از توجه نیست که گاهی در لحن کلام و طرز رفتار امام رضا^(ع) نوعی قاطعیت و شدت عمل و برخورد صریح دیده می‌شود و گاهی ملایمت و نرمش و انعطاف و تسامح. این تفاوت، بستگی به موارد و مواضع مختلف دارد. در باره مسائلی که جنبه اصولی دارد و با مبانی، خط فکری و عقیده حق در تضاد و تنافی باشد نظیر مباحث توحید و امامت و... در این گونه موارد، امام^(ع) سازش ناپذیر، حسّاس، دقیق، بی‌گذشت و بدون اغماض و انعطاف است ولی در غیرموارد اصولی و مبنایی، آن‌جا که به

معاشرت‌های انسانی و حقوق شخصی و زمینه‌های رفتاری و هنجاری مربوط می‌شود، اهل عفو و گذشت و اغماض و تسامح است. بنابراین ملاک و راز تفاوت در برخوردهای گوناگون حضرت را باید در این مسئله جست‌وجو کرد (گنجور، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

۱۲-۵- همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان

از دیگر خصوصیات الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان در فرهنگ رضوی، همزیستی مسالمت‌آمیز با آنهاست. از مطالعه احادیث و روایات چنین برمی‌آید که زندگی آرام و صلح‌آمیز و ایجاد رابطه محبت و مودت با بیگانگان امری است که مسلمانان در روابط خود می‌توانند از آن الگو و بهره‌گیرند. چه این که اسلام، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر، ضدیت ندارد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۷۴) امام رضا^(ع) در روابط خود با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارد که با ایجاد جو آرام و مودت‌آمیز می‌تواند با مخالفان عقیدتی خود، به گفت‌وگو و جدال احسن پردازد.

اما درباره سیره عملی حضرت رضا^(ع) باید گفت که امام^(ع) با اتصال به منبع معرفتی وحی و با اتکا به سنت و سیره پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) که خود الگو و نمونه عملی برای جامعه اسلامی به شمار می‌روند با رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز خود با مخالفان غیرمسلمان، در واقع شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب را متمیم و تکمیل کرد. چنان که این رهیافت در سیره عملی و مناظرات علمی حضرت با سران و پیروان ادیان و مکاتب عصر، کاملاً مشهود است. (ابن بابویه، بی‌تا: ۱۰۲-۱۱۹).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا از اندیشه و روش رفتاری امام علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) در زمینه ارتباط با پیروان سایر ادیان، الگویی نظری و عملی در مقیاسی جهانی استنباط و

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا^(ع) ❖ ۶۳

ارائه شود. رفتار و سلوک امام^(ع) مبین آن است که مسلمانان در جهان امروزی نباید ساکت و منزوی باشند بلکه وظیفه دینی آن‌هاست که با رعایت اخلاق و حقوق انسانی و گفت‌وگو با ادیان مختلف به نشر افکار و اندیشه‌های اهل بیت^(ع) و جهانی‌سازی مکتب اسلام بپردازند. چراکه اساساً اندیشه‌های معصومان^(ع) وجهه جهانی دارد و به لحاظ اتصال به وحی، جاودانه است. جاودانگی و جهان شمولی این تعالیم از عملکرد ائمه اطهار^(ع) در زمان خود و کارآیی و اثربخشی آن در عصر حاضر استنباط می‌شود.

امام علی بن موسی الرضا^(ع)، نسبت به پیروان ادیان و فرق مختلف، برخوردی مسامحه‌آمیز داشته است که یک الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیر مسلمانان به شمار می‌آید. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی است که برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف می‌کردند و گاهی با امام به مباحثه می‌پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصب و سخت‌گیری، به بحث می‌پرداخت. امام^(ع) نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته‌ای داشت بلکه با عوام و توده این فرقه‌ها نیز با رفق و مدارا رفتار می‌کرد. در اهمیت رفق و مدارا با دیگر انسان‌ها در فرهنگ و سیره رضوی همین بس که حضرت یکی از خصوصیات مؤمن حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی می‌کند. چرا که به قول ایشان، خداوند عزوجل، پیامبرش را به مدارای با بندگان، امر فرموده است.

اگر عصر رضوی را دوره اوج و ترویج فرهنگ گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب بدانیم، امام در مقابل سایر ادیان نیز با منابع مورد قبول آنان چون انجیل و تورات و زبور به حل مسائل و احتجاج می‌پرداختند و امام نه تنها دعوت به تفکر و تعقل می‌کردند بلکه خود نیز در مباحث و مناظرات خود تکیه بر عقل داشتند زیرا بر پایه استدلال عقلایی کلیه منکران ناچار به تسلیم هستند.

همچنین رویکرد امام رضا^(ع) به مسئله ادیان، وحدت‌گراست؛ یعنی حقیقت و گوهر

تمام ادیان نزد ایشان یکی است.

نکته پایانی این مقاله، تحقیق و استنباط مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان دیگر ادیان، در سیره امام رضا^(ع) است که عبارتند از: التزام به اخلاق انسانی و احترام و مهرورزی نسبت به آن‌ها، مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس ادیان، آزادی فکر و بیان و به رسمیت شناختن حق سؤال برای پیروان ادیان، مدارا و تسامح دینی و همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، عیون اخبار الرضا^(ع)، ترجمه محمد تقی اصفهانی، تهران: انتشارات علمیه.
- (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا^(ع)، تهران: جهان.
- (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا^(ع)، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۶۳)، مکاتیب الرسول، چاپ سوم، قم: یس.
- اربلی، علی بن عیسی (بی تا)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، با مقدمه ابوالحسن شعرانی، قم: ادب الحوزه.
- امانی فر، حیدر (۱۳۷۹)، مرزها و مبانی تساهل و تسامح و قاطعیت در اسلام، تهران: دارالکتب.
- البستانی، بطرس (۱۹۷۷م)، محیط المحيط، بیروت: مکتبه ناشرون.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه شناسی سیاسی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.

❖ ۶۶ فرهنگ رضوی

- پوپر، کارل (۱۹۴۵م)، **جامعه باز و دشمنان آن**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- تهانوی هندی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، **کشاف اصطلاحات الفنون**، تحقیق: دکتر علی جروح، مجموعه دوجلدی، بیروت: مکتبه ناشرون.
- جرداق، جرج (۱۹۷۰م)، **الامام علی^(ع) صوت العدالة الانسانیه**، بیروت: دار مکتبه الحیاه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۱)، **دانش نامه حقوقی**، چاپ دوم، تهران: ابن سینا.
- خلیلیان، سید جلیل (۱۳۷۳)، **زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع)**، چاپ هفتم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۷۳)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- طبرسی، ابی‌منصور احمدبن علی (۱۳۸۶)، **الإحتجاج**، نجف: النعمان للطباعه و النشر.
- (۱۳۹۳ق)، **الاحتجاج**، بیروت: مدرسه الاعامی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۶۸)، **اخبار و آثار حضرت امام رضا^(ع)**، تهران: کتابخانه صدر.
- (۱۴۰۶ق)، **مسند الامام الرضا**، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا^(ع).
- فاضل میبیدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، **تساهل و تسامح**، تهران: آفرین.
- فتحعلی، محمود (۱۳۷۸)، **تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی**، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- فضل‌الله، محمد جواد (۱۳۶۹)، **تحلیلی از زندگانی امام رضا^(ع)**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، **القاموس المحيط**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳)، **همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل**، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- کلینی، محمدبن یعقوب (بی‌تا)، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجور، مهدی (۱۳۹۰)، **«امام رضا^(ع) و الگوهای رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب»**، مجله شیعه‌شناسی، شماره ۳۴، صص ۲۱۵-۲۵۰.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی**، مترجم: علیرضا ذکاوئی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.

به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا(ع) ❖ ۶۷

❖ سال پنجم شماره ۲۰ زمستان ۱۳۹۶

- محمودی، سیدعلی (۱۳۷۲)، «تساهل منفی و تساهل مثبت در قلمرو فلسفه سیاسی معاصر»، کیهان فرهنگی، شماره ۹۷، صص ۱۶-۱۹.
- محمودی، سیدعلی (۱۳۷۷)، «تساهل منفی و تساهل مثبت در قلمرو فلسفه سیاسی معاصر»، تسامح، آری یا نه؟ (دفتر نخست/مجموعه مقالات و گفتگوها)، قم: خُرّم، صص ۱۳-۷۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مفید، محمد بن نعمان (بی‌تا)، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- موجد، ضیاء (۱۳۷۷)، «فراتر از تسامح»، ماهنامه کیان، (دوره ۸) شماره ۴۵، صص ۵۸-۶۱.
- موریسکرنستن (۱۳۷۶)، «تساهل و تسامح» مترجم: محمد سعید حنایی کاشانی، نامه فرهنگ، شماره ۲۸، صص ۶۲-۷۰.

